

ایا کلام خداوند ثمره ای خواهد داشت؟

موعظه انجیل لقا فصل 8 ایه 4-15

وقتی که تمام مردم هنوز در خواب خوش هستند ، مزرعه داران بایستی در صبح خیلی زود برای تامین نیازهای خانواده شان و همچنین برای مراقبت از حیوانات مزرعه شروع به کار و تلاش کنند. یک مزرعه دار برای انجام فعالیت ها یش اغلب در هوای سرد با طبیعت شروع به مبارزه می نماید. در فصل کاشت او با کیسه ای پر از بذر راهی زمین زراعتی شده و مشغول پاشیدن دانه ها می کند و با امید فراوان چشم به ثمر رسیدن محصولش می دوزد. ولی او به خودش این اطمینان کامل را می دهد که برداشت پربراری خواهد داشت. اما با توجه به طریقه پاشیدن بذرها ادم نمی تواند خیلی به محصول خوب این کشاورز امیدوار باشد. زیرا او عمل بذرفشانی را در مسیر باد و روی سنگ ها و جاده ها انجام می دهد که بلافاصله آن دانه ها توسط چند کلاغ خورده می شوند. در این جا عیسی برای ما از امیدی صحبت می کند که در انجام کار طاقت فرسا بوجود می آید. در این مثال ما می بینیم که آن مزرعه دار ، باوجود پاشیده شدن دانه ها در جاهای دیگر بجز زمین زراعتی باز هم به کارش ادامه می دهد و فقط به این امیدوار است که آن دانه هایی که در زمین حاصل خیز قرار می گیرند محصول خوبی خواهند داشت. این زحمتی است که فقط مزرعه داران می توانند آن را تحمل کنند و آنها هستند که این گونه اطمینان خاطر را از آینده کارشان دارند و به همین خاطر تا امروز و همیشه و همیشه آن را انجام می دهند.

چیزی که عیسی در اینجا برای ما شرح می دهد نمی تواند یک داستانی با عاقبت خوب باشد. ولی این برای ما کاملا واضح است که او چه چیزی را قصد دارد تا با این مثال به ما بگوید. او در واقع تصویری از تشکیل بوجود آمدن ملکوت خداوند را به ما نشان می دهد. در این داستان منظور از آن مرد بذرافشان یک مزرعه دار اسرائیلی نمی باشد که با طبیعت در مبارزه است بلکه این خداوند است که عمل بذرافشانی را انجام می دهد . او این عمل را با زحمت فراوان انجام می دهد که می بینیم هم اغلب به بار نمی نشیند. عیسی با این تصویر می خواهد به ما یک تلنگری بزند. بله ما درست شنیدیم . اکثرا ، عمل خداوند در ما انسانها در شرایطی انجام می شود که ما پذیرای خوبی برای آن نمی باشیم. در اینجا ما متوجه یک تناقضی در باب کلام خدا می شویم ، کلامی که همه دنیا را آفریده است و اکنون چطور امکان دارد در ما اثری نداشته باشد. ما بایستی در اینجا به این دقت بکنیم که این مسئله به گناهکار بودن ما انسان ها بر می گردد. که کلام خدا در آن گهگاهی بی ثمر خواهد بود. حال یک سوال مهمی سخت فکر من را مشغول می سازد که ایا من پذیرای خوبی برای کلام خدا می توانم باشم؟ ایا تو این را می دانی که چه اتفاقی برای شخصی که به کلام خدا اعتنا نمی کند می افتد؟ این مسئله را ما مسیحیان به خوبی می شناسیم . ما کلام خداوند را به راحتی می شنویم ولی بعد از مدت کوتاهی ما آنها را همانند آن دانه هایی که کلاغ ها خورداند فراموش می نماییم. و یا مثل این می ماند که ما در خانه ، برنامه ای از تلویزیون می بینیم ولی بعد از 5 دقیقه ما نمی توانیم چیزی از آن را بخاطر بیاوریم. ما همچنین شکل دیگری هم از این نوع بی توجهی را می شناسیم. جایی که من یک جمله از کلام خدا را می شنوم و متوجه آن می شوم که آن جمله خطاب به من گفته شده است. این جمله گناه ام را برای من به روشنی آشکار می سازد. در این حالت من خیلی به آن موضوع فکر می کنم زیرا آن برای من خیلی حالت جدی پیدا می کند. و با خودم می گویم ایا من در راه اشتباهی افتاده ام؟ و یا ایا من در این راه باعث انجام اعمال ناشایستی شده ام؟ و یا شیطان مدت هاست که در این راه من را هدایت می کند بطوری که من به آن عادت کرده و خو گرفته ام؟ با توجه به این سوال ها من خیلی هواسم را به آن جمع می کنم ولی اهمیتی زیادی برای آن قائل نمی شوم و با صدا درامدن تلفن ، همه این تفکرات از بین می رود و من گناه خودم را باز فراموش می کنم. این رویداد همانند آن عمل مزرعه داری می باشد که بذرها خود را برروی

جاده می باشد. که در ابتدا به نظر می رسد که آن دانه می تواند رشد کند ولی بعد از مدتی ریشه آن به سنگی برخورد می کند و دیگر از رشد کردن بازمی ماند و این همانند برخورد کلام خدا بر روی قلب سرد ما است که میلی برای تغییر آن نداریم و معمولاً با پیش آمدن چنین موردی به رویه خود ادامه می دهیم و توجهی با خواست خدا نمی کنیم. ما حالت دیگری هم در رابطه با این مثال می شناسیم. جایی که ما به گناه و اعمال نادرست خود آگاه شده و قصد داریم تا خودمان را بهبود ببخشیم و در این راه زحمات زیادی را هم می کشیم ولی بعد از مدتی که ما دوباره در جامعه و در بین دوستان قرار می گیریم همه آن تلاش ها بر باد می روند و دوباره ما از کلام خدا دور گشته و باعث شکافی بین ما و سخن عیسی می شود. این رخ داد را ما می توانیم با آن دانه هایی که با علف های هرز رشد می کنند مقایسه نماییم و تاثیر آن را در مسیر زندگی مان ببینیم. ما مسیحیان همه این موقعیت ها را می شناسیم ولی خداوند هیچوقت از پا نمی نشیند و با همیشه به کار خود ادامه می دهد و همانند آن مزرعه دار در سرما و گرما و با امید فراوان به هدایت بندگانش می پردازد. ما می دانیم که وقتی که مقداری از آن بذرها بر روی زمین زراعتی پاشیده شود چه محصول پربراری خواهد داد. مثالی که عیسی از آن برای ما شرح می دهد، داستان ثمره کلام خداوند در این دنیا می باشد. سال ها است که انسان ها پیامبرهای دروغین و راستینی را پیروی می کنند. کسانی که کلام خدا را بر زبان آوردن، آنها را با بی رحمی به قتل رساندند. خود اعمال عیسی هم در این راه بی نتیجه می ماند. وقتی که می بینیم همه او را تعقیب می کنند و در انتها شاگردان صمیمی او نیز او را ترک می کنند و در انتها او با تبهکاران دیگر بر روی صلیب می رود ولی او همانند آن مزرعه دار با صبر فراوان تا آخر به هدف اش ادامه می دهد. این عملی است که عیسی با محبت و شکیبایی فراوان انجام داده است که ما بعد از سال ها هم آن را می توانیم به خوبی درک نماییم. این فداکاری عیسی مختص و برای یک سری از افراد زیاد نمی باشد. اگر او خودش را برای تمام مردم جهان قربانی نمی کرد و فقط برای آن تبهکاران جان می باخت، در آنگاه او می بایستی تکلیف خودش را بخوبی انجام داده باشد. ولی این را ما می دانیم که او به دنبال گوسفندان گمشده خداوند آمده است و اگر هم تنها فقط یک گمشده هم وجود داشت، باز هم او این از خودگذشتگی را انجام می داد.

همه ما می دانیم که چه رویه ای برای آن بذرهایی که در زمین حاصل خیز و یا در دل پاک پاشیده می شوند پیش می آید. آنها بارهای خیلی زیاد و خوبی به عمل می آورند. چه کسی فکر این را می کرد که دقیقاً چند سال بعد از مرگ و رستاخیز عیسی، خبر نجات بخشش را در جاهای دیگر جهان بشنوند؟ و یا تا امروز بعد از نسل های فراوان باز هم عده ای به زندگی جاویدان دعوت بشوند و او را پیروی نمایند؟ زمانی که کلام خدا بر دل های آماده نفوذ کند ثمره های زیادی ببار می آورد که این به ما امیدواری زیادی می دهد. اگر باز هم من این احساس را داشته باشم که کلام خدا در من تاثیری نداشته است دوست دارم همیشه و همیشه باز هم کلام انجیل را بشنوم. اگر من در اعمال گناه الود خود با شیطان می جنگم و در هر مرحله شکست می خورم ولی باز هم دوست دارم فقط سخن عیسی را بشنوم تا از نیروی آن بهره گیرم و دوباره زندگی خودم را از سر بگیرم.

همچنین من دوست دارم کمی شبیه آن مرد مزرعه دار باشم تا در انجام کارهایم بسیار صبور و در مقابل مشکلات کمر خم ننمایم. و سعی می کنم که چشم امیدم را به آن بذرهایی بدوزم که یک روزی بالاخره میوه های خوبی به عمل می آورند.

وقتی که ما در این زمانه قصد داریم کلام خدا را به همه بشارت دهیم نبایستی خودمان را با تعداد نفراتی که با آنها سر و کار داشته ایم بسنجیم. وقتی که انسان ها تاکنون از عیسی چیزی نشنیده باشند و یا اگر دوست نداشته باشند که گوش فرا دهند ما اجازه نداریم که دست از کار خودمان بکشیم چراکه برای ما تعداد آدم ها مهم نیست بلکه هدف عمل مان است که عیسی را خشنود می نماید. شاید در هر کار دیگری مثلاً در تجارت و تبلیغات، تعداد نفرات جذب شونده مهم باشد ولی این امر در صفات مسیحی ما جایی ندارد. حال ما نگاهی به خدای مان عیسی می اندازیم و می بینیم که چطور یک زندگی ناگواری را سپری می کرده است در ابتدا

جایی که بالغ بر 6000 نفر از افرادی که به حرف های او آگاهی نداشتند او را دنبال می کنند. در جایی دیگر هم که او را در شهر خودش ترد می نمایند و یا در شهرهای اطراف محل زندگی خودش باز هم پس زده می شود. و یا خودش را بایستی همیشه از دست فریضیان و یا رهبران یهودی در امان می گذاشت. با توجه به پشتکار عیسی ما مسیحیان هیچ وقت نمی توانیم این را عنوان بکنیم که چه کسی به غسل تعمید روی خواهد آورد و چه کسی نه؟ کسی هم نمی تواند این را بگوید که عمل بشارت در یک مرحله از زمان و مکان خلاصه می گردد.

در پایان ، سخن عیسی رو به ان دانه هایی می باشد که در جان های آماده قرار می گیرند. این امر هم به همین صورت برای ما صدق می نماید. وقتی که ما در بروکه فعالیت می نمایم هدف ما این نیست که همه ادم ها را در جلوی خداوند به زانو درآوریم و همه را به توبه و غسل تعمید فرا خوانیم. و یا زمانی که ما به کلیسای لوکاس نقل مکان می نمایم امکان دارد که همیشه با روی باز اهالی محل روبه رو نشویم ولی ما با وجود همه اینها باز هم به راه خودمان ادامه می دهیم چراکه برای ما ان انسان هایی مهم هستند که در جسم خودشان آماده پذیرایی کلام خدا هستند و برای ما تعداد افراد مهم نمی باشد که چه میزان در این راه روی می آورند. ما برای ان دسته از ادم ها فعالیت می کنیم که می توانند نجات پیدا کنند. ما این اعمال را همیشه انجام می دهیم زیرا این را می دانیم که کلام خدا همیشه محصول خواهد داد و نه برای یک بار بلکه برای هزاران مرتبه.

آمین